



## صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران در نظام آموزش عالی کشاورزی

### چکیده

نظام آموزش عالی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین نظام‌های درون جامعه است که سرنوشت جامعه را در بلندمدت تعیین می‌کند. دانش-آموختگان دانشگاه‌ها به عنوان خروجی نظام آموزش عالی بایستی با نیاز جامعه هماهنگ باشند تا از این طریق از دانش و تخصص خود در جهت پیشبرد اهداف جامعه استفاده کنند. نظام آموزش عالی کشاورزی صلاحیت‌محور بر مبنای هماهنگی نیروی آموزش دیده با نیاز بازار کار شکل گرفته است. توجه به صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران یکی از ارکان نظام آموزش عالی کشاورزی صلاحیت‌محور است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش پاسخگویی به این سوال است که براساس تحقیقات انجام شده، صلاحیت‌های لازم برای فراگیران کشاورزی در نظام آموزش عالی کشاورزی صلاحیت‌محور کدامند؟ این تحقیق از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است و در آن از روش تحلیل محتوایی و بررسی اسنادی بهره گرفته شده است. جامعه مورد مطالعه، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است که ۱۰ پژوهش به صورت نمونه هدفمند و در دسترس برای مطالعه انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش، چک لیست و فرم‌های محقق ساخته بوده و برای تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل - توصیفی استفاده شده است. براساس یافته‌های تحقیق صلاحیت‌های محوری در ۶ دسته شامل صلاحیت دانشی، تحلیلی، تجربی، اقتصادی، مدیریتی و ارتباطی طبقه‌بندی شدند. از آنجا که صلاحیت‌های ارتباطی با بیشترین فراوانی از جمله مهم‌ترین صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران در مطالعات مختلف بود لذا پیشنهاد می‌شود که در نظام آموزش عالی کشاورزی این نوع صلاحیت‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** صلاحیت- آموزش عالی- کشاورزی

### مقدمه

بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم در فرآیند تولید، همواره جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهانی داشته است. در سال‌های اخیر با توجه به تغییر و تحولات بازارهای نفتی در جهان و به تبع آن در کشور ایران، اهمیت توجه به فعالیت‌های اقتصادی غیر نفتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. تاثیر و اهمیت کشاورزی و نقش آن در وضعیت اقتصادی کشور ما بر کسی پوشیده نیست و نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به کشاورزی، واقعیتی است که اگر مورد بی‌توجهی قرار گیرد لطمه بزرگی بر روند رشد و توسعه کشور خواهد زد. پویایی بخش کشاورزی و تحقق توسعه پایدار، در گرو آن است که تولید و بهره‌برداری از منابع همراه با سایر نهادها نظیر تکنولوژی، منابع انسانی و منابع مالی به‌طور هماهنگ باشد. بهره‌مندی از منابع انسانی در بخش کشاورزی، مستلزم آموزش کارآمد و متناسب با نیاز بخش کشاورزی است به گونه‌ای که نیروهای آموزش دیده توانمندی‌های لازم جهت ایفای نقش در بخش کشاورزی را کسب کنند.

براساس برآوردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با توجه به استانداردهای مطلوب آموزشی، هزینه تربیت یک دانشجوی کشاورزی، ۱/۸ برابر یک دانشجوی پزشکی، ۲/۵ برابر یک دانشجوی فنی مهندسی و علوم پایه و ۲/۷ برابر یک دانشجوی رشته بازرگانی و علوم انسانی و اجتماعی است (منتظری، ۱۳۸۸). ظرفیت پذیرش دانشجو برای رشته کشاورزی نیز همانند سایر رشته‌ها افزایش داشته و هم قدر مطلق و هم قدر نسبی دانشجویان دختر در مقایسه با پسران افزایش نا متعادل را نشان می‌دهد و از آنجا که معمولاً دختران بر حسب تقاضای اقتصادی به رشته کشاورزی وارد نمی‌شوند و نیز با توجه به این نکته که رشته کشاورزی از جمله گران‌ترین رشته‌های دانشگاهی است این تغییر نسبت‌ها به معنای هزینه‌هایی است که بر بودجه آموزشی تحمیل می‌شود بدون آن‌که بازده مناسبی برای بخش داشته باشد. به عبارت دیگر، از لحاظ اقتصادی، جامعه در حال صرف هزینه‌های فراوان برای کسانی است که توان و امکان جذب به ویژه در بخش خصوصی را ندارند.



براساس تحقیقات انجام شده، سازمان نظام مهندسی مهم‌ترین علت بالا بودن نرخ بیکاری در فارغ التحصیلان کشاورزی را نارسایی در آموزش‌های کاربردی و تجربی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی اعلام نموده است. یکی از عمده‌ترین دلایل معضل بیکاری دانش-آموختگان کشاورزی را می‌توان عدم سازگاری بین توانایی‌های کسب‌شده آن‌ها در دانشگاه‌ها و مهارت‌های موردنیاز واحدهای تولیدی و مراکز کاری دانست (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵). برخی از پژوهشگران بر این باورند که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشکده‌های کشاورزی برای حل چالش‌های پیش روی آماده نیستند و باید خودشان را برای کار در جهان پیچیده آماده کنند (Bok, 2006). اغلب انتقادهای وارد به آموزش عالی کشاورزی، ناشی از نداشتن مهارت‌های مطلوب و آمادگی پایین دانش‌آموختگان دانشکده‌های کشاورزی برای ورود به بازار کار است. کشور آمریکا نیز در دهه ۱۹۶۰ عدم هماهنگی بین نظام آموزشی و نیاز بازار کار را تجربه نموده است. آموزش صلاحیت محور اولین بار در این کشور و برای مرتفع نمودن چنین مسئله‌ای طراحی گردید. در آموزش صلاحیت محور اعتقاد بر آن است که جوامع به سرعت در حال تغییراند و کارمندان در این جوامع بایستی قادر به کار کردن در محیط‌های بسیار پیچیده، اطلاعات متناقض، همکاری‌های غیر رسمی و فرآیندهای پویا و تلفیقی باشند. وسترا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است که مفهوم صلاحیت به شدت با عملکرد موفقیت-آمیز در چنین شرایطی در ارتباط است. آموزش صلاحیت محور به فراگیران کمک می‌کند تا با استفاده از تجارب یادگیری معتبر و خودمحور، توانمندی‌های کارکنان شایسته را کسب کنند.

در خصوص رشته کشاورزی مطالعات مختلفی در زمینه مشکلات موجود انجام شده است؛ شهبازی و علی بیگی در سال ۱۳۸۵ به واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازار کار در کشاورزی پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که شایستگی‌های موردنیاز دانش‌آموختگان کشاورزی عبارت‌اند از شایستگی‌های ارتباطی، اخلاقی، تخصصی، حل مسئله، اخلاق حرفه‌ای در کشاورزی، اداری و عمومی که به‌منظور پرورش شایستگی‌های ضروری برای دانش‌آموختگان کشاورزی، بازنگری مشارکتی در برنامه درسی رشته‌های کشاورزی و تأکید بر یادگیری تجربی در بین دانشجویان، همراه با تحول در روش‌ها و فنون رایج تدریس را پیشنهاد دادند.

در تحقیق دیگری زمانی و لاری (۱۳۸۳) عمده‌ترین دلایل اینکه به‌رغم کمبودهای اساسی و نیاز فزاینده به متخصصین کشاورزی، چرا دانش‌آموختگان موجود تماماً جذب بخش کشاورزی نشده‌اند؟ به شرح زیر ذکر کرده‌اند: ۱- زیادی تعداد دانش‌آموختگان کشاورزی، ۲- عدم حمایت دولت، ۳- نداشتن سرمایه کافی، ۴- نداشتن توانایی کارهای عملی، ۵- وجود افراد مسن در ادارات، ۶- عدم هماهنگی ادارات، ۷- تبعیض جنسیتی، ۸- عدم اعتماد به نفس، ۹- عدم شناخت رشته تحصیلی، ۱۰- کمبود فعالیت‌های اقتصادی.

زمانی و عزیزی (۱۳۸۵) نیز برخی از مهم‌ترین موانع به‌کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی را شامل مواردی همچون فقدان مهارت‌های عملی، عدم تناسب برنامه‌ها و دروس دانشگاهی با نیاز بازار کار، سیاست تعدیل ساختاری و نیروی انسانی دولت، نادیده انگاشتن بخش خصوصی و خوداشتغالی و افزایش شدید تعداد دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانسته‌اند.

علی بیگی و میرزایی (۱۳۹۳) معتقدند که آنچه امروزه در سرلوحه فعالیت‌های آموزش عالی کشاورزی کشور قرار گرفته است، همان بخش یادگیری برنامه‌ریزی‌شده است که به‌طور عمده در قالب برنامه‌های آموزشی نوشته‌شده و با به‌کارگیری روش‌های تدریس نامناسب توسط استادان اجرا می‌شود.

سلیمان پور و حسینی (۱۳۹۰) اذعان داشتند که یکی از مسائل مبتلا به دانش‌آموختگان دانشگاهی، نبود فرصت‌های لازم برای اشتغال و در نتیجه بیکاری پس از دانش‌آموختگی است که عوامل و دلایل بسیاری نظیر ضعف مهارتی، عدم توانایی در راه‌اندازی واحدهای اشتغال‌زا، نبود یا کمبود فرصت‌های شغلی و ... بر این امر دامن زده است.

<sup>1</sup> Westera



به عقیده رهایی (۱۳۸۴) عدم رونق اقتصاد کشاورزی کشور، گسترش بی‌رویه رشته‌های کشاورزی و عرضه فراوان تحصیل‌کردگان، اشباع بخش دولتی و سیاست کاهش نیرو و عدم توان جذب در بخش خصوصی باعث شده است تا در دهه کنونی با بحران شدید بیکاری دانش-آموختگان کشاورزی مواجه باشیم.

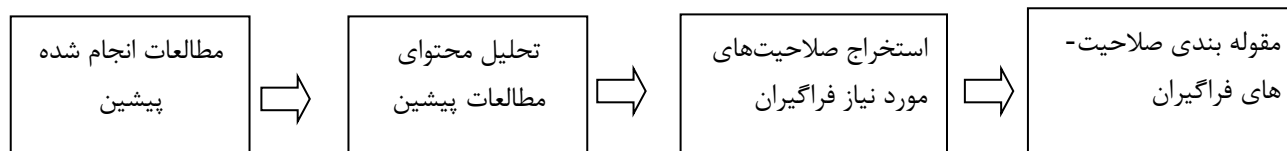
در زمینه راهکارهای حل مشکلات موجود در آموزش عالی کشاورزی نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است؛ هارد<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و تریوایسان<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، استفاده از روش‌های یادگیری فعال و عملی و مشارکت دانشجویان در یادگیری و آموزش را از عمده‌ترین راه‌حل‌های موجود برای حل مسائل بیکاری، تأمین نیازمندی‌های بخش خصوصی و خوداشتغالی در بخش کشاورزی می‌دانند.

زمانی و عزیزی (۱۳۸۵) در خصوص تغییرات اصلاحی در نظام آموزش کشاورزی پیشنهادهایی ارائه نموده است که برخی از آن‌ها عبارت از: افزایش واحدهای دروس عملی، ارتباط بیشتر دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی و کشاورزان، ایجاد روحیه خوداشتغالی و کارآفرینی در دانشجویان، توسعه و تأکید بر کارآموزی‌ها در دوره تحصیل و آماده نمودن دانشجویان برای مشاغل خوداشتغالی و آزاد.

هوگولد و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) معتقدند که استفاده از رهیافت آموزش صلاحیت مدار<sup>۴</sup> از جمله راه‌های انتقال آموخته‌ها به محیط‌های کاری است. این روش علاوه بر تأکید بر کاربرد یادگیری به ارتباط بین کار و آموزش نیز تأکید دارد. در این رهیافت هدف کسب صلاحیت‌های کاربردی بجای صرف وقت از نشستن در کلاس‌های درس است. نظام آموزشی بر اساس این دیدگاه برای دانشجویان فرصت‌ها و تجربیات میدانی و عملی را طوری آماده می‌کند که بتواند آموخته‌های خود را در عمل و به‌طور واقعی به‌کارگیرند (Jang & Kimb, 2004).

از راهکارهای دیگری که در خصوص بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان به کار گرفته می‌شود، آموزش‌های کارمدار<sup>۵</sup> است. در این آموزش‌ها تأکید بر ارتباط بین آموزش و کار از برنامه‌ها و موضوعات درسی است. در ایران چنین آموزش‌هایی در حاشیه قرار گرفته و در سطح خیلی محدود در برخی مقاطع تحصیلی اجرا می‌شود؛ بنابراین نیاز است تا با انجام مطالعات مختلف جنبه‌های کاربردی این رهیافت در نظام آموزش عالی کشاورزی کشور شناسایی شده و به‌طور مطلوب به کار گرفته شود (موحدی، ۲۰۰۹). البته در نظام آموزش کشاورزی ایران، در مقطع کارشناسی آموزش‌هایی تحت عنوان کارآموزی به دانشجویان ارائه می‌گردد. زرافشانی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به تحلیل نقاط ضعف و قوت دوره‌های کارآموزی دانشجویان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که به‌طور کلی انتقادات فراوانی بر دوره کارآموزی در رشته ترویج و آموزش کشاورزی وارد است، از جمله آن‌که از نظر دانشجویان، مرکز، نهاد یا اداره‌ای وجود ندارد که به‌طور اختصاصی به کارآموزی دانشجویان بپردازد. علاوه بر این هیچ‌کدام از قسمت‌های اداره‌هایی که دانشجویان برای گذراندن دوره کارآموزی در آن جایابی می‌شوند، مسئولیتی در قبال ارائه آموزش به دانشجویان ندارند. عدم همراهی استاد با دانشجو در طول دوره، نحوه جایابی دانشجویان، عدم ارتباط و ناهماهنگی دانشگاه با مراکز کارآموزی و عدم توجه اولیه دانشجویان در خصوص اهداف دوره وظایف و مشکلات احتمالی از دیگر مشکلات دوره‌های کارآموزی به شمار می‌رود.

همان‌طور که بیان شد، تحقیقات مختلفی در خصوص صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی انجام شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با مرور مطالعات انجام شده صلاحیت‌های محوری مورد نیاز فراگیران در نظام آموزش عالی کشاورزی صلاحیت محور استخراج شود. بدین منظور از چارچوب مفهومی زیر جهت انجام بررسی مطالعات پیشین و استخراج صلاحیت‌ها استفاده شده است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی تحقیق

<sup>1</sup> Harder et al.

<sup>2</sup> Trevisan

<sup>3</sup> Hoogveld et al.

<sup>4</sup> Competency-Based Education

<sup>5</sup> Work Based Education



## روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت تحقیق، توصیفی تحلیلی است و در آن روش تحلیل محتوایی و بررسی اسناد استفاده شده است. جامعه مورد تحقیق شامل مطالعات انجام شده است. ۱۰ مطالعه به عنوان نمونه هدفمند و در دسترس برای مطالعه انتخاب شد و ابزار جمع آوری اطلاعات و داده‌های پژوهش فیش، چک لیست‌ها و فرم‌های محقق ساخته بوده است. برای تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل توصیفی بهره‌گیری شده است. در این پژوهش تحلیل محتوای استاد به روش گال و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) انجام شد. در مرحله اول اسناد یاد شده مورد مطالعه دقیق قرار گرفت و تمام گزاره‌هایی که انتظار می‌رفت بتوان از آنها شایستگی‌های مورد نیاز فراگیران در نظام آموزش عالی کشاورزی صلاحیت‌محور را استنتاج نمود، استخراج شدند. در مرحله بعدی مقوله‌بندی با روش کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام شد. در کدگذاری باز بدون اینکه هیچ اولویتی بین داده‌ها در نظر گرفته شود، تمام داده‌ها تحلیل و صلاحیت‌ها استخراج شده و سپس در چندین مقوله اصلی گروه‌بندی شدند در ادامه هر یک از گزاره‌های جمع آوری شده برای قرار گرفتن در هر یک از مقوله‌ها نشانه گذاری شدند؛ به عبارت دیگر، هر یک از گزاره‌های استخراج شده از مقالات، مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود آیا پدیده توصیف شده در هر گزاره، در یکی از مقوله‌های مورد نظر جای می‌گیرد یا خیر. در پایان نیز داده‌ها بر اساس مقوله بندی انجام شده مورد تفسیر قرار گرفتند.

## یافته‌ها

همانطور که پیش‌تر بیان شد، در این مطالعه ۱۰ پژوهش در زمینه صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت. صلاحیت‌های مختلف استخراج شده از مطالعات مورد بررسی، در جدول ۱ نشان داده شده است. براساس اطلاعات جدول ۱، در مجموع ۴۶ صلاحیت استخراج گردید.

جدول ۱. صلاحیت‌های مستخرج از مطالعات پیشین

ردیف	صلاحیت‌های مستخرج از مطالعات پیشین	فراوانی
۱	تصمیم‌گیری سریع و منطقی	۸
۲	مهارت‌های ارتباطی گفتاری	۸
۳	تعامل با دیگران در زمینه‌های مختلف	۷
۴	توانایی جلب مشارکت دیگران	۵
۵	آشنایی با تولیدات کشاورزی	۵
۶	مهارت‌های ارتباطی نوشتاری	۵
۷	مهارت‌های حل مسئله	۵
۸	تجربه کار در مزرعه	۴
۹	بازاریابی کشاورزی	۴
۱۰	تفکر انتقادی	۴
۱۱	آشنایی با زبان انگلیسی	۴
۱۲	آگاهی از فعالیت‌های اقتصادی کاربردی	۴
۱۳	مدیریت ریسک	۳
۱۴	آشنایی با کاربرد کامپیوتر در کشاورزی	۳

<sup>۱</sup> Gal et al



۱۵	دانش حسابداری	۳
۱۶	دانش بحران (آشنایی با بحران های بالقوه و پاسخ به آنها)	۳
۱۷	مدیریت تضاد	۳
۱۸	توانایی نظارت	۳
۱۹	مدیریت زمان	۳
۲۰	مهارت رهبری	۳
۲۱	مدیریت بحران	۳
۲۲	خوب گوش دادن	۳
۲۳	جلب توجه مخاطبین	۳
۲۴	درک جامع از ارتباطات	۳
۲۵	مشارکت در تجارب شغلی نظارت شده	۳
۲۶	مدیریت بودجه	۳
۲۷	تفکر تحلیلی	۳
۲۸	اطلاعات زیست شناسی و گیاه شناسی	۲
۲۹	اطلاعات علوم غذایی	۲
۳۰	درک پایه ای از آمار و احتمال	۲
۳۱	آشنایی با کشاورزی عمومی	۲
۳۲	علوم خاک	۲
۳۳	دانش استفاده از ابزار های تکنولوژیکی	۲
۳۴	مدیریت امور پیچیده	۲
۳۵	مدیریت مشاغل کشاورزی	۲
۳۶	تشخیص اقدامات متناسب با شرایط	۲
۳۷	سخنرانی عمومی	۲
۳۸	مهارت های همکاری و تعاونی	۲
۳۹	مهارت ایجاد و انتقال پیام	۲
۴۰	مشارکت در دوره های کار آموزی	۲
۴۱	تجربه کار در موسسات تجاری	۲
۴۲	آشنایی با تورسیم روستایی و راه های درآمدزایی از این طریق	۲
۴۳	مهارت های حسابداری، تجارت و مدیریت	۲
۴۴	قدرت استدلال بر مبنای شواهد	۲
۴۵	تفسیر و استنباط درست از داده ها	۲
۴۶	تجربه کار در شرکت های خرده فروشی	۱
۱۲۰	جمع	



پس از استخراج صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی از مطالعات پیشین، بر اساس قرابت معنایی صلاحیت‌های مختلف با یکدیگر، مقوله‌های کلی مشخص شد. بر این مبنا کلیه صلاحیت‌های مستخرج در شش محور صلاحیت‌های دانشی، مدیریتی، ارتباطی، اقتصادی، تجربی و تحلیلی قرار گرفتند. جدول ۲ صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی را بر مبنای صلاحیت‌های محوری به همراه فراوانی آنها مشخص شده نشان می‌دهد. براساس اطلاعات این جدول، در محور دانشی، «آشنایی با تولیدات کشاورزی» و «آشنایی با زبان انگلیسی» بیشترین فراوانی را در مطالعات مورد بررسی داشته‌اند. در خصوص صلاحیت‌های مدیریتی، «توانایی تصمیم‌گیری سریع و منطقی» و «توانایی جلب مشارکت دیگران»، بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده‌اند و در محور صلاحیت‌های ارتباطی، «مهارت‌های ارتباط گفتاری» و «تعامل با دیگران در زمینه‌های مختلف» بیشترین فراوانی را داشته‌اند. البته باید توجه داشت که پایین بودن فراوانی برخی صلاحیت‌ها در مطالعات پیشین به معنای عدم اهمیت آن‌ها نیست و بایستی در نظام آموزش عالی صلاحیت محور کلیه صلاحیت‌های لازم برای فراگیران باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۲. گروه‌بندی صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی بر مبنای صلاحیت‌های محوری

ردیف	صلاحیت‌های محوری	صلاحیت‌های مرتبط با هر محور
۱	صلاحیت‌های دانشی	آشنایی با تولیدات کشاورزی
		آشنایی با زبان انگلیسی
		آشنایی با کاربرد کامپیوتر در کشاورزی
		دانش حسابداری
		دانش بحران (آشنایی با بحران‌های بالقوه و پاسخ به آنها)
		اطلاعات زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی
		اطلاعات علوم غذایی
		درک پایه‌ای از آمار و احتمال
		آشنایی با کشاورزی عمومی
		علوم خاک
۲	صلاحیت‌های مدیریتی	دانش استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی
		تصمیم‌گیری سریع و منطقی
		توانایی جلب مشارکت دیگران
		مدیریت ریسک
		مدیریت تضاد
		توانایی نظارت
		مهارت رهبری
		مدیریت زمان
		مدیریت بحران
		مدیریت امور پیچیده
		مدیریت مشاغل کشاورزی
		تشخیص اقدامات متناسب با شرایط
		مهارت‌های ارتباطی گفتاری
		تعامل با دیگران در زمینه‌های مختلف
		مهارت‌های ارتباطی نوشتاری



۳	صلاحیت‌های ارتباطاتی	خوب گوش دادن
		جلب توجه مخاطبین
		درک جامع از ارتباطات
		سخنرانی عمومی
		مهارت های همکاری و تعاونی
۴	صلاحیت‌های تجربی	مهارت ایجاد و انتقال پیام
		تجربه کار در مزرعه
	تجربه	مشارکت در تجارب شغلی نظارت شده
		مشارکت در دوره های کار آموزی
		تجربه کار در موسسات تجاری
۵	صلاحیت‌های اقتصادی	تجربه کار در شرکت های خرده فروشی
		آگاهی از فعالیت های اقتصادی کاربردی
	اقتصادی	بازاریابی کشاورزی
		مدیریت بودجه
		آشنایی با تورسیم روستایی و راه های درآمدزایی از این طریق
۶	صلاحیت‌های تحلیلی	مهارت های حسابداری، تجارت و مدیریت
		مهارت های حل مسئله
	تحلیلی	تفکر انتقادی
		تفکر تحلیلی
		قدرت استدلال بر مبنای شواهد
		تفسیر و استنباط درست از داده ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مقوله‌های مشخص شده بر اساس قرابت معنایی صلاحیت‌های مختلف انجام شده است. نام‌گذاری مقوله‌های مختلف نیز بر مبنای صلاحیت‌هایی که در آن قرار گرفته‌اند انجام شد. در جدول ۳ توضیحات مربوط به هر یک از مقوله‌ها و همچنین تعداد صلاحیت‌های مستخرج در هر مقوله نشان داده شده است. همان‌طور که در این جدول مشخص شده است بیشترین صلاحیت‌های مستخرج، در محورهای دانشی و مدیریتی (۱۱ صلاحیت) و در محور ارتباطی (۹ صلاحیت) بود.



جدول ۳. صلاحیت‌های محوری مورد نیاز فراگیران کشاورزی

ردیف	صلاحیت‌های محوری مورد نیاز فراگیران کشاورزی	توضیحات	تعداد صلاحیت‌های مستخرج مربوط به هر محور
۱	صلاحیت‌های دانشی	مقصود از این صلاحیت‌ها آن است که فراگیران دانش تخصصی رشته تحصیلی و دانش عمومی کشاورزی را دارا باشند.	۱۱
۴	صلاحیت‌های مدیریتی	دارا بودن مهارت‌های مدیریت انسانی و مالی در شرایط بحرانی و غیر بحرانی در این گروه از صلاحیت‌ها قرار می‌گیرد.	۱۱
۳	صلاحیت‌های ارتباطاتی	منظور از صلاحیت‌های ارتباطی، توانایی ایجاد و انتقال پیام به افراد و گروه‌ها به صورت گفتاری و نوشتاری است.	۹
۲	صلاحیت‌های تجربی	کسب تجربه کافی در زمینه‌های مختلف کشاورزی اعم از تجارب داخل و خارج از دانشگاه در این گروه از صلاحیت‌ها قرار می‌گیرد	۵
۵	صلاحیت‌های اقتصادی	منظور از صلاحیت‌های اقتصادی داشتن دانش و مهارت کافی در خصوص فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بخش کشاورزی است.	۵
۶	صلاحیت‌های تحلیلی	صلاحیت‌های تحلیلی شامل توانایی تجزیه و تحلیل و استدلال در شرایط مختلف است.	۵
	جمع	-----	۴۶

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق، شایستگی‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی که در مطالعات مختلف مورد توجه قرار گرفته اند، در پنج محور اصلی قرار گرفت که عبارتند از: صلاحیت‌های دانشی، مدیریتی، ارتباطی، تجربی، اقتصادی و تحلیلی. تسلط بر دانش تخصصی و دانش عمومی کشاورزی از جمله مهم‌ترین صلاحیت‌های دانشی هستند که در مطالعات پیشین، مورد توجه قرار گرفته‌اند. دانش آموختگان در نظام آموزش عالی کشاورزی به دلیل ماهیت رشته تحصیلی‌شان در محیط کار، با کشاورزانی در تعامل خواهند بود که انتظار پاسخگویی به مشکلات آنان را دارند و این موضوع، اهمیت نیاز فراگیران کشاورزی به دانش و اطلاعات کافی را نشان می‌دهد. زمانی (۱۳۸۰)، علی‌بیگی و همکاران (۱۳۸۵) و علی‌بیگی و پویا (۲۰۱۱) نیز در تحقیقات خود به اهمیت دانش روز و اطلاعات علمی برای فراگیران کشاورزی اشاره نموده‌اند. البته اهمیت دانش نباید منجر به کم‌توجهی به سایر صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی شود. کسب صلاحیت‌های مدیریتی و ارتباطی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. دانش آموختگان دانشگاهی در بخش کشاورزی بایستی قادر باشند که از فنون مختلف ارتباطی از قبیل ارتباط کلامی و نوشتاری جهت ایجاد و انتقال پیام استفاده کنند تا از این طریق بتوانند آموخته‌های علمی خود را در جهت پاسخ به مسائل و مشکلات کشاورزان و کلیه ارباب رجوع‌هایشان به کار گیرند. نتایج احمدپور و همکاران (۱۳۹۴) و پاتل و





همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نیز بیانگر نقش مهم صلاحیت‌های ارتباطی فراگیران کشاورزی در موفقیت کاری آنان است. علاوه بر این با توجه به دنیای در حال تغییر کنونی، دانش آموختگان کشاورزی با محیط کاری متغیر، پویا و پیچیده مواجه خواهند بود و بایستی توانایی رویارویی با چالش‌های مختلف کاری را داشته باشند لذا ایجاد و تقویت صلاحیت‌های مدیریتی همچون تصمیم‌گیری سریع و منطقی، مدیریت ریسک، مدیریت تضاد، توانایی جلب مشارکت دیگران و بسیاری از این دست صلاحیت‌ها برای موفقیت فراگیران در محیط کاری آینده‌شان ضروری است. در کنار کلیه صلاحیت‌های لازم برای فراگیران کشاورزی، کسب تجربه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش‌های عملی باید مبتنی بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی باشد. یعنی این که با برنامه ریزی آموزشی مشاغل مورد نیاز بازار کار مورد شناسایی قرار گرفته و آن‌گاه با استفاده از برنامه های درسی دانش و مهارت های شغلی مورد نیاز ارایه شود. کسب تجربه در خصوص فعالیت‌های کشاورزی، شرکت در دوره‌های کار آموزی و کسب تجربه‌های اقتصادی و مالی می‌تواند نقش مهمی در موفقیت فراگیران کشاورزی در بازار کار داشته باشد. نتایج تحقیق اولورونتوبا (۲۰۰۸)، نشان داد که تجربه کار عملی در مزرعه می‌تواند قابلیت‌های استخدامی دانشجویان در بخش کشاورزی را افزایش دهد. همچنین ترکیب تدریس در کلاس درس و عمل در مزرعه دانشجویان را با مشکلات واقعی آشنا می‌کند. صلاحیت‌های اقتصادی، از دیگر صلاحیت‌های مورد نیاز فراگیران کشاورزی است که مواردی همچون آگاهی از فعالیت‌های اقتصاد کاربردی، بازاریابی کشاورزی، مدیریت و مهارت‌های تجارت و حسابداری را در بر می‌گیرد. از آنجا که صلاحیت‌های اقتصادی مستقیماً با بازار کار و کسب درآمد در ارتباط است لذا به جهت موفقیت فراگیران در آینده کاری‌شان بسیار ضروری است و کسب چنین صلاحیت‌هایی به فراگیران کمک می‌کند که از منابع در دسترس به‌صورت صحیح و کارآمد استفاده کنند.

همانطور که اشاره شد، در دنیای در حال تغییر امروز فراگیران کشاورزی باید بتوانند در محیط کاری پیچیده و پویا فعالیت کنند. برای کار کردن در چنین شرایطی مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و تحلیلی و قدرت استلال نیز ضروری است. والز و بودن<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) و شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۸۵) نیز بر لزوم وجود صلاحیت‌های حل مسئله جهت اندیشه و عمل منتقدانه، مقتدرانه و داوطلبانه جهت برخورد مناسب با عدم قطعیت و موقعیت‌های پیچیده تاکید نموده‌اند.

از آنجا که فراگیران یکی از ارکان مهم نظام آموزش عالی کشاورزی هستند لذا برای تغییر و بهبود نظام آموزش عالی توجه به این رکن مهم، ضروری است بنابراین پیشنهاد می‌شود صلاحیت‌های لازم برای این فراگیران در بخش‌های مختلف نظام آموزش عالی اعم از طراحی برنامه درسی، بکارگیری روش‌های تدریس مناسب و روش‌های ارزیابی فراگیران مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی صلاحیت‌های لازم برای ورود به بازار کار را کسب نمایند.

<sup>1</sup> Patel et al

<sup>2</sup> Wals & Bawden



## منابع

- ۱- احمدپور، ا؛ قاسمی، ح و علیخانی دادوکلایی، م. (۱۳۹۴). عام لهای موثر بر توسعه ی مهارت های کارآفرینی دانشجویان آموزشده های کشاورزی. فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۳۲.
- ۲- رهایی، ز. (۱۳۸۴). بررسی نقش آموزش عالی در حل مشکل اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه ها: دانشگاه کارآفرین و نیازهای بازار کار. نشریه تدبیر شماره ۱۵۹. صص ۷۴-۷۷.
- ۳- زرافشانی، ک. میرک زاده، ع. ا؛ و اسداله، ح. ر. (۱۳۸۸). تحلیل نقاط ضعف و قوت دوره های کارآموزی دانشجویان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی (کرمانشاه). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره هشت. صص ۱۰-۲.
- ۴- زمانی، غ. ح و لاری، م. ب. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش آموختگان کشاورزی جویای کار. انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران. جلد ۲. شماره ۲. صص ۲۵-۴۰.
- ۵- زمانی، غ. ح و عزیزی، ط. (۱۳۸۵). بررسی نظرات مدیران اجرایی سازمان های کشاورزی در خصوص اشتغال دانش آموختگان کشاورزی. مجله علوم و ترویج و آموزش کشاورزی. جلد دوم، شماره دو. صص ۷۳-۸۶.
- ۶- سلیمان پور، م. ر؛ و حسینی، س. م. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی (مطالعه موردی استان تهران). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱. صص ۲۶-۱۵.
- ۷- شهبازی، ا و علی بیگی، ا. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی های دانش آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱. صص ۱۵-۲۴.
- ۸- علی بیگی، ا و میرزایی، ن. (۱۳۹۴). دیدگاه دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی نسبت به بسترهای ضروری یادگیری تجربی. فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۳۲. صص ۱۴-۲۵.
- ۹- منتظری، ش. (۱۳۸۸). بررسی شایستگی های مورد نیاز دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی برای ورود به بازار کار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- 10- Alibaygi, A. & Pouya, M., (2011). Needs assessment of senior agricultural students regarding sustainability knowledge. African Journal of Agricultural Research, 6 (31), 6542-6546.
- 11- Bok, D.C. (2006). Our underachieving colleges: A candid look at how much students learn and why they should be learning more. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 12- Gal and et al. (1994); "Methods of Qualitative and Quantitative Analyze in Psychology and Education, Translated into Persian by Ahmad Reza Nasr and et al 2007. Terhran: Shahid Beheshti University Press (in Persian).
- 13- Harder, W. C. Bruening, T. H. and Tmanov, A. (2006). Students Perceptions of Learning and Teaching at Lvov State Agricultural. University in Ukraine. In proceeding of 23th annual conference on AIAEE, pp143-151, Clearwater Beach, Florida. US.



- 14- Hoogveld, A. W. M. Paas, F. and Jochems, W. M. G. (2005). Educational. Technology Expertise Centre. Open Universities of the Netherlands, Heerlen, the Netherlands.
- 15- Jang, S. and Kimb, N. (2004). Transition from High School to Higher Education and Work in Korea, From the Competency-Based Education Perspective. In: International. Journal. of Educational. Development, 2(6): 691-703.
- 16- Movahedi, R. (2009). Competencies needed by Agricultural. Extension and Education Undergraduates for Employment in the Iranian Labor Market. Berlin: dissertation. De publications.
- 17- Oloruntoba, A., (2008). Agricultural Students' Perceptions of Farm Practical Year Programme at University of Agriculture, Abeokuta, Nigeria. *Agriculturae Conspectus Scientifi cus* , Vol. 73 No. 4 (245-252).
- 18- Patel, K.B., Maina, M, Hagmann, J., & Woomer, P.L. (2001). Curriculum development and transformation in rural development and natural resource management. Paper presented at the strategy workshop of the Rockefeller Foundation's Bellagio Center, Italy.
- 19- Trevisan, M.S. (2004). Practical. Training in Evaluation: A Review of the Literature. In *The American Journal of Evaluation*, 25(2): 255-272.
- 20- Wals, A.E.J., & Bawden, R. (2000). Integrated sustainability into agricultural education: Dealing with complexity, uncertainty and diverging worldviews. Scotland, University of Aberdeen.
- 21- Westera, W. (2001) Competences in education. *Journal of Curriculum Studies*, 33(1), 75-88.